

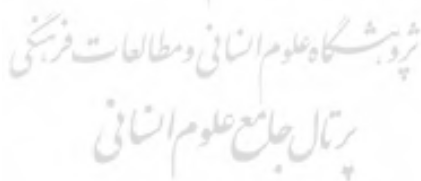
The Studying on the Origin and Etymology of Female Family Names in German

Parisa Derakhshan Moghaddam¹

Abstract

The history of the formation and historical evolution of naming has always been an important part of the society's culture and thoughts. This research is applicable not only to the field of social studies, but also to Genetics and medicine fields. In addition to the science of Onomastics, research on female names based on maternal lineage is also noteworthy. Research and discussion on the emergence of surnames and family names in the Middle Ages shows that even though women worked in various professions and occupations similar to men, they often stayed anonymous. This article discusses the reasons behind female naming (matronymic) and the Etymology of several Female family names in German.

Keywords: Etymology, Onomasiology, Family Name, Matronymic, German Culture



¹Assistant Professor of German language and Literature, Islamic Azad University, Central Branch, Tehran, Iran.
parisadm33@gmail.com

بررسی پیدایش و ریشه‌یابی زبان‌شناختی نام‌های خانوادگی مؤنت در زبان آلمانی

پریسا درخشان مقدم^۱

چکیده

تاریخچه شکل‌یابی و تحول تاریخی نامگذاری همواره بخش مهمی از تاریخ فرهنگ، اندیشه و طرز تفکر یک جامعه است. این پژوهش علاوه بر مطالعات اجتماعی، در زمینه‌های ژنتیکی و پزشکی نیز کاربرد دارد و به تغییراتی که به دنبال مهاجرت‌ها و کوچ اقوام روی می‌دهد اشاره دارد. علاوه بر علم نام‌شناسی، پژوهش درباره اسامی مؤنت یا اسم‌گذاری براساس نسب مادری^۲ در آینده تاریخ حقوقی - اجتماعی نیز شایان توجه است. بررسی و بحث درباره پیدایش نام‌های خانوادگی در قرون وسطی نشان می‌دهد که زن‌ها نیز همانند مردان در حرفه‌ها و مشاغل مختلف کار می‌کردند، با این وجود همواره در سایه نام‌های بزرگ و مردان قرار داشتند و اغلب ناشناس مانده‌اند. هدف از نوشتار حاضر شناخت دلایل نام‌گذاری مؤنت (بر اساس نسب مادری) و ریشه‌شناسی آثاری از چندین نام خانوادگی مؤنت در زبان آلمانی است.

کلیدواژه‌ها: علم اشتقاق اسامی، نام‌شناسی، نام‌های خانوادگی، نام‌گذاری بر اساس نسب مادری، فرهنگ آلمانی.

۱- مقدمه

نام خانوادگی بخشی از نام کامل فرد است و تعلق او را به نسب خاصی بیان می‌کند. نخستین نشانه‌های استفاده از نام خانوادگی به حدود ۵۰۰۰ سال قبل در چین باستان برمی‌گردد. در آنجا نام خانوادگی به منظور حفظ هویت و جایگاه اجتماعی در سلسله‌های حاکم مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

در اروپا، اولین نام‌های خانوادگی در اسناد دولتی مربوط به سده ۱۱ میلادی است و تا سده ۱۶ میلادی ثبت نام خانوادگی اجباری شد. در جوامع فئودالی نام خانوادگی نشان‌دهنده وابستگی به طبقات اجتماعی خاصی بودند، مانند شوالیه‌ها یا کنت‌ها.

^۱ استادیار فرهنگ و زبان‌های باستانی، گروه آموزشی زبان‌های خارجه و زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرکزی، تهران

parisadm33@gmail.com

^۲ Metronymika

بعدها تحولات اقتصادی و مهاجرت‌ها باعث شکل‌گیری نام‌های جدیدی شدند، مانند دوران انقلاب صنعتی که نام‌های خانوادگی مرتبط با مشاغل مانند کارگر، بافنده، زرگر رواج یافتند.

یکی از نمودهای نظام‌های پدرسالار انتقال نام‌خانوادگی از پدر به فرزند است و همینطور در نظام‌های مدرسالاری نام خانوادگی از مادر به فرزند می‌رسد. در برخی از کشورها نیز نام‌های خانوادگی ترکیبی وجود دارد، مانند اسپانیا و برخی کشورهای لاتین. معمولاً نام خانوادگی برخلاف نام کوچک، برای مؤنث و مذکر یکی است.

هدف از این مقاله پاسخ به این سؤال است که دلایل پیدایش نام‌های خانوادگی بر اساس نسب مادری در حوزه زبان آلمانی چه بوده است و نقش اجتماعی زنان چه تأثیری در انتخاب نام‌های خانوادگی آنان داشته است. روش پژوهش این مقاله، روش کتابخانه‌ای و کیفی و با استفاده از کتاب‌ها، مقاله‌ها، گزارش‌ها و منابع برخط نگاشته شده؛ پیشینه تحقیق در مورد موضوع، فیش‌برداری و طبقه‌بندی منابع مرتبط با مقاله حاضر و در نهایت نگارش اطلاعات مربوط به پرسش تحقیق صورت پذیرفته است.

۲- پیشینه تحقیق

پیش از همه باید توجه داشت که در حال حاضر هیچ مطالعه جامعی در مورد پیدایش نام‌های خانوادگی بر اساس نسب مادری در حوزه زبان آلمانی وجود ندارد که مبانی زبان‌شناسی و تاریخی را با هم ترکیب کند. در واقع هنوز هم همه منابع مکتوب پردازش نشده‌اند. بررسی نام‌های خانوادگی با نسب مادری با جزئیات بیشتر توسط باخ^۱ (۱۹۵۲) صورت گرفته است. نام‌های خانوادگی مؤنث همراه با مثال‌هایی در فرهنگ جامع ناومان^۲ (۱۹۹۶)، آیشلر و دیگران^۳ (۱۹۹۵)، تسودر^۴ (۱۹۶۸)، برشنماخر^۵ (۱۹۵۷)، هاینتسنه^۶ کاسکوربی^۷ (۱۹۳۳) فهرست شده‌اند. با اینحال تنها منبع در حوزه زبان آلمانی، اثر بالو^۸ (۱۹۷۶) است که بر اساس این منبع گویش‌های شلزی^۹ و آلمانی سفلی^{۱۰} با استفاده از تعداد زیادی مثال بر غنای ساختار، تأثیر گویش‌ها و ویژگی‌های خاص جغرافیایی تأکید می‌کند. کار ریت - تسنشتاین^{۱۱} (۱۹۹۸/۱۹۹۷) تلاشی در جهت مطالعه‌ای جامع در مورد نام‌های مؤنث در اسامی مکان در منطقه باواریا بود. وی بر نقش مهم زنانی که از طریق ارث یا ازدواج مته‌مومل شده بودند، در نظام ارباب - رعیتی تأکید می‌کند.

¹ Bach, A.

² Naumann, H.

³ Eichler, E.

⁴ Zoder, R.

⁵ Brechenmacher, J.K.

⁶ Heinze, A.

⁷ Cascorbi, P.

⁸ Bahlw, H.

⁹ Schlesien

¹ Plattdütsk

0

¹ Reit-Zenstein, W.

1

۳- بحث و بررسی

انتخاب نام بر اساس نسب مادری دارای ریشه‌های مختلف از قبیل حفظ میراث خانوادگی، ارج نهادن به مادر و نشانه‌ای از پیوند با نسل‌های گذشته است. در همه جوامع مادرسالار، انتخاب نام خانوادگی نسب مادری روشی برای حفظ میراث خانواده و ادامه نسل‌های بعدی محسوب می‌شد.

۳-۱- مفهوم انتخاب نام خانوادگی بر اساس نسب مادری

نام‌های برگرفته از نسب مادر به معنای واقعی کلمه از نام کوچک مادر یا همسر به طور کلی گرفته شده‌اند (واژه یونانی metronymikon (به معنی گرفته شده از اسم مادر). امروزه مفهوم Gynäkonymika به معنی برگرفته از اسم زوجه (یا نامادری) است. متضاد آن واژه Patronymika به معنی گرفته شده از نام خانوادگی نسب پدری است (باخ، ۱۹۵۶: ۲۳۲). امروزه تقریباً همه اقوام، منجمله آلمانی‌ها، از این روش برای نامگذاری نام خانوادگی استفاده می‌کنند.

انتخاب نام خانوادگی از نسب مادری بسیار کمتر از نامگذاری بر اساس نام خانوادگی از نسب پدری است (آیشلر، ۱۹۹۵: ۱۲۴۹). این امر در اسکاتلند و ایرلند تقریباً اصلاً اتفاق نمی‌افتد. پژوهش بر روی نام‌های خانوادگی اسلاوی نشان می‌دهد که نامگذاری نام خانوادگی بر اساس نسب مادری فقط در مواقعی که ازدواج رسمی نباشد، شکل می‌گیرد. عجیب است که نامگذاری بر اساس نسب پدری در خاندان اشکنازی^۲ ظاهر می‌شود (آیشلر، ۱۹۹۵: ۱۲۴۹). دلیل این امر را باید در انستیتوهای کست^۴ جستجو کرد. در فرانسه و نیز منطقه نورماندی نام خانوادگی با نسب مادری به وفور دیده می‌شود. در مناطقی مانند آلزاس^۵ به ندرت دیده می‌شود و در جزیره

^۱ مفهوم شناخته شده‌ای است که از واژه لاتینی گرفته شده است: Matronymikon - Matronym

^۲ امروزه در اسامی حوزه زبان روسی، بر اساس نام از نسب پدری، در نام‌های میانی استفاده می‌شود، به طور مثال: Pjetróvič & Pjetróvna به معنای پسر و دختر پدر. واژه معادل معنی پسر در برخی از مناطق آلمان باقی مانده است، اما واژه معادل معنی دختر هرگز چنین گسترشی در حوزه زبان آلمانی نداشته است (باخ، ۱۹۵۶: ۲۳۲).

^۳ به صورت سنتی و کلاسیک به ضرر شوهر جوان است زیرا به عنوان یک غریبه به خانه خانواده همسرش نقل مکان می‌کند. دلیلی مشابه برای اسامی از نسب مادری نزد آلمانی‌ها وجود دارد: در جامعه یهودیان آلمان، زنی که در روستایی به دنیا آمده و بزرگ شده بود و با مردی غریبه ازدواج می‌کرد، طبیعی بود که پسر را به دنبال نسب پدر نامند و نام خانوادگی مادر را به ارث ببرد (هاینتس / کاسکوربی، ۱۹۳۳: ۳۹).

^۴ Instituten der kost (Plural kost)

^۵ نورماندی/نورماندی به منطقه‌ای جغرافیایی واقع در شمال غربی فرانسه می‌گویند. این منطقه در سال ۹۱۱ میلادی توسط شارل ساده پادشاه فرانک باختری به رولو و وایکینگ‌های نروژی که آنها را نورمان می‌نامیدند به صورت دوک‌نشین بخشیده شد تا از یورش‌های همیشگی آنها به خاک فرانسه جلوگیری شود. به این ترتیب این منطقه را نورماندی نامیدند.

^۱ (Elsass (französisch: Alsace) آلزاس منطقه‌ای تاریخی در کشور فرانسه و بخشی از ناحیه گرات است. این ناحیه در شرق این کشور و در همسایگی آلمان و سوییس واقع شده و همراه با موزل و تربیتوار دو بلفور از جمله سرزمین‌های امپراتوری آلمان بود که پس از جنگ جهانی اول، بر پایه معاهده ورسای از آلمان جدا شد و به فرانسه پیوست.

کرس^۱ و سرزمین باسک نیز ناشناخته است. در شرق (به طور مثال در بابل)^۲ شواهد بسیار کمی از نام‌های خانوادگی از نسب مادری وجود دارد (وونش؛^۳ ۲۰۰۶؛ تیم؛^۴ ۱۹۹۹). نام خانوادگی از نسب مادری، حتی اگر به نظر برسد تنوع شکلی داشته باشند، بسیار نادرند (وونش، ۲۰۰۶؛ ۴۶۱). این تنوع اغلب تنها به دلیل تأثیر گویش‌ها و ویژگی‌های جغرافیایی نیست، بلکه به این دلیل نیز هست که اندکی پس از ظهور نام‌های خانوادگی از نسب مادری، مردم سعی کردند منشأ واقعی آنها را پنهان کنند، دقیقاً به این دلیل که نسل‌های بعدی اشاره به نسب زن را نامناسب یا بی‌ادبانه می‌دانستند (وونش، ۲۰۰۶؛ ۴۶۲). یا حتی از چگونگی آن خبر نداشتند.

شمار اندک نام‌های نسب مادری بی‌شک نشان‌دهنده جایگاه اجتماعی و حقوقی زنان در جوامع مردسالار در اروپای قرون وسطی است. آمار از شهرهایی مانند ماگدبورگ و براونشوایگ نشان می‌دهد که تنها حدود ده درصد از نام‌های خانوادگی منشأ نسب مادری دارند.^۵ بابلو (۱۹۷۶) دوران اوج شکوه در قرون وسطی را، به ویژه در سیلیزی می‌داند.

۳-۲- دلایل انتخاب نام خانوادگی از نسب مادر یا همسر

مردان اروپایی می‌توانستند نام برگرفته از همسر، مادرزن و البته مادر خود را انتخاب کنند.^۶ این امر همیشه فرض بر نامشروع بودن تولد^۷ نبوده است (ناومن، ۱۹۹۶؛ ۵۲). در عوض ما باید در ورای نام‌های خانوادگی بر اساس نسب مادری به دنبال جایگاه ویژه‌ای باشیم که زنان هنوز در قرون وسطی داشتند. آنها عمدتاً در تجارت و بازرگانی فعال و اغلب از خانواده‌های اشرافی بودند؛

^۱ Korsika کُرس یکی از جزایر کشور فرانسه، چهارمین جزیره بزرگ در دریای مدیترانه (پس از سیسیل، ساردنی و قبرس) و نیز زادگاه ناپلئون اول، امپراتور فرانسه است.

^۲ Baskenland سرزمین باسک شامل سرزمین باسک جنوبی در اسپانیا (شامل دو جامعه خودمختار سرزمین باسک و ناوارا) و سرزمین باسک شمالی در فرانسه است.

^۳ Babylonien بابل یکی از تمدن‌های باستانی حوزه بین‌النهرین است که در حوزه رود فرات قرار داشت. مرکز این تمدن در شهر بابل بود که امروزه بقایا و آواره‌های به جا مانده از آن را در ۸۸ کیلومتری جنوب بغداد امروزی و نزدیک شهر حله عراق می‌توان یافت.

^۴ Wunsch, C.

^۵ Timm, E.

^۶ Metronymika im Verhältnis zu Patronymika in Magdeburg 32: 349; in Braunschweig 16: 122, vgl. Kunze 2003, S. 77; Bach 1952, S. 233.

^۷ Schlesien سیلیزی منطقه‌ای تاریخی در اروپای مرکزی است که بیشترین قسمت آن در لهستان واقع شده است و بخش کوچکی نیز در جمهوری چک و آلمان می‌باشد.

^۸ در برخی موارد نام جد به وسیله یکی از اجداد به نسل بعد منتقل می‌شد، اگرچه این را نباید یک نام از نسب مادری به معنای مورد نظر دانست.

^۹ Vgl. 1227 Heinrich filius Grede=Hans Grede, anders dagegen Rauschart zu mittelhochdeutsch rŪschart „uneheliches Kind“ oder Liebeskind, Halbpape, Halbritter, Halbherr.

اما نه تنها جایگاه اجتماعی، بلکه احترامی که زن یا خانواده‌اش از آن برخوردار بودند، می‌توانست انگیزه کافی برای نامگذاری فرزندش به نام او باشد، به طور مثال اگر زن در آن شهر متولد شده بود اما مرد به آنجا نقل مکان کرده و اهل آن شهر نبود (باخ، ۱۹۵۲: ۲۳۳). در منبعی متعلق به سال ۱۵۸۱ میلادی آمده است: «برخی افراد به دلیل آنکه پدرشان از طبقه پایین جامعه است، از نام خانوادگی او صرف نظر می‌کنند و خود را با نام خانوادگی مادر یا همسرشان می‌نامند» (باخ، ۱۹۵۲: ۲۳۲؛ نومان، ۱۹۹۶: ۵۲؛ کوتسه، ۲۰۰۳: ۷۷). به طور مثال می‌توان به هاینریش زویسه (لاتینی زوسو) اشاره کرد، وی نام خانوادگی مادرش را انتخاب کرد که زنی پرهیزکار و محترم بود (کوتسه، ۲۰۰۳: ۷۷؛ باخ، ۱۹۵۲: ۲۳۱).

زن در غیاب شوهر (مثلاً در جنگ یا به دلیل شغل ملوانی و دریانوردی) یا به عنوان بیوه، جایگاه برجسته‌ای در امور مالی و حقوقی به دست می‌آورد. آداشتن یک شخصیت قوی در زمان غیبت مرد حائز اهمیت بود و در این صورت فرصتی برای استقلال زن و گرفتن جایگاه مرد فراهم می‌شد. گاهی اوقات رابطه شغلی عامل تعیین کننده در انتخاب نام زن بود. دلیل دیگر می‌تواند نامگذاری از روی موسسه یا مکانی باشد که نام یک قدیس حامی را یدک می‌کشد، مانند:

Madlener, Kathreiner (nach einem Kloster)
St. Magdalena, St. Katharina (nach einem Ort)

در شمال غربی آلمان اسامی از نسب مادری از روی اسم مکان‌ها گرفته شده‌اند، به عنوان مثال زمانی که در سال ۱۴۳۵ شهر کسفلد^۷ شهروندان جدید را پذیرفت:

Herm. Tor Widouwe, zoen Hinr. Kokes unde Elzeken tor
Widouwe (Bach 1952: 233).

^۱ ires fatters zunamen stain [lassen], wan er geringer herkomst ist, und nennen sich mit irer motter oder frauwen geslechtznamen

^۲ Kunze, K.

^۳ Heinrich Seuse, lat. Suso (1295-1366)

^۴ این مورد به فریسی‌ها اشاره دارد. آنها گروهی از مردمان ژرمن هستند که در نواحی ساحلی کشورهای آلمان، دانمارک و هلند زندگی می‌کنند (باخ، ۱۹۵۲: ۲۳۳؛ هاینتسه / کاسکوربی، ۱۹۳۳: ۳۹).

^۵ L'Hermite-Leclercq 1993, S. 260 f.

^۶ قدیس حامی یا محافظ (انگلیسی: Patron saint; آلمانی: Schutzpatron) قدیسی است که در بسیاری از فرقه‌های مسیحیت به عنوان روح محافظ یا مدافع آسمانی یک ملت، مکان، پیشه، خانواده یا شخص در نظر گرفته می‌شود. در حال حاضر قدیس حامی یک ماهیت متافیزیکی شناخته می‌شود که توانایی شفاعت بسیاری از اتهامات و بزه‌ها را دارا است. اعتقاد به چنین ماهیتی بیشتر در بین کاتولیک‌ها و ارتدکس‌ها رواج داشته و پروتستان‌ها اعتقادی به آن ندارند. در دنیای اسلام مقدس حامی مشابه صوفی است.

^۷ Coesfeld شهر کسفلد در ایالت نوردراین-وستفالن در کشور آلمان واقع شده است.

منابع عموماً متنوع هستند. تعداد متفاوتی از نام‌های بر اساس نسب مادری را در منابع مختلف مانند میراث صومعه‌های زنان و بایگانی‌های اشرافی و همچنین بایگانی‌های شهری و شهرداری می‌یابیم.

زنان اغلب به عنوان صادرکننده اسناد عمل می‌کردند، حتی گاهی اوقات با مهر خودشان خرید و فروش می‌کردند، مبادله و انتقال انجام می‌دادند و حتی بیشتر اوقات در معاملات ملکی شوهرانشان رضایت می‌دادند و فاکتورها، رسیدها و تعهدات وام و بدهی مشترک را با آنها امضا می‌کردند. زنان دلیل وضع مالیات بر خانه و قراردادهای مالیاتی و همچنین مستمیری بیوه‌ها و مهم‌تر از همه روند طولانی رسیدگی به ارث، چه در دادگاه و چه در خارج از آن بودند. زنان به ویژه اهداکنندگان پرشوری برای کلیسا بودند و وصیت‌نامه‌های خود را مطابق با خواسته‌های کلیسا تنظیم می‌کردند. فعالیت سیاسی آشکارا محدود به طبقات بالاتر و والا مقام بود. به موجب اسناد موجود، در شرایط اضطراری، زنان اشراف مسئول دفاع نظامی از قلعه بودند و عمدتاً در غیاب شوهرانشان امور اقتصادی خانواده را به عهده می‌گرفتند. استقلال آنها به طرز چشمگیری مستقیماً با دارایی‌هایی که اجازه داشتند با مسئولیت خودشان اداره کنند، مرتبط بود (مانند جهیزیه و هدایای داده شده به عنوان مهریه).

در جامعه اواخر قرون وسطی زنان خانواده‌های متمول‌تر از خانواده شوهر و آنهایی که تنها وارث خانواده محسوب می‌شدند، از جایگاه بهتری برخوردار بودند. چنین زنی می‌توانست تقریباً به اندازه یک مرد با همان جایگاه قانونی عمل کند. شواب (۱۹۹۷: ۳۲۳) خاطر نشان کرد که در ناحیه تیرول تا حدود سال ۱۴۰۰ میلادی زنان اغلب نام خانوادگی موروثی نداشتند و به نام پدر یا شوهر خود در آینده نامگذاری می‌شدند. به طور کلی جامعه از زنان انتظار داشت که خویشتنداری کنند، اقدامات قانونی را به مردان واگذار کرده و تسلط مردان را در نظام حقوقی به رسمیت بشناسند و از هر گونه کنش مستقلی پرهیزند. بر این اساس با چنین زنی، صرف نظر از جایگاهش، با تحقیر رفتار می‌شود، برای مثال از یک زن اشراف‌زاده در اسناد بدون عنوان یاد شده است. با این حال دلایل نامگذاری متفاوت زنان می‌تواند متفاوت باشد. به طور مثال هنگام ذکر نسب، القاب و غیره، جایگاه زن به فردی که با او ارتباط برقرار می‌شد و موضوع، هدف و البته نگرش شخصی نسبت به زنان بستگی داشت.

۳-۳- تاریخچه حضور زنان در زمینه شکل‌گیری نامگذاری در قرون وسطی

شخصیت اجتماعی زن، مادر یا مادرشوهر می‌توانسته تأثیرگذارتر از شخصیت مرد باشد. در اروپای غربی و مرکزی قرون وسطی، این امر عمدتاً در برجستگی فعالیت اجتماعی آنها منعکس شده است. اهمیت زنان در زندگی حرفه‌ای و اجتماعی قرون وسطی در اینجا مورد بحث قرار

¹ Schwob, U. M.

خواهد گرفت. حضور زن‌ها به طور چشمگیری در آنچه اکنون حرفه‌های تحت سلطه مردان می‌نامیم، دیده می‌شود. با این حال جنبه حرفه‌ای و اجتماعی رد محسوسی در سیستم نامگذاری بر جای نگذاشته است.

از اوایل مسیحیت نگاه ما به زنان اغلب از دریچه نگاه مردانه بوده است. نوشته‌های روحانیان و راهبان، نگاهی آرمانی و هنجاری ارائه می‌دهد. از آنجا که همواره نمونه‌های شاخص و برجسته مورد ستایش قرار می‌گیرند، باید از خود بپرسیم چهره‌های در سایه چه وضعیتی داشته‌اند؟ تنها از قرن ۱۳ به بعد بود که تولید مطالب مکتوب و کیفیت انتقال آنها به طور کلی افزایش یافت و ما پی می‌بریم که زنان، به ویژه از طبقات ثروتمند و روحانی، به طور فزاینده‌ای در زندگی معنوی و فکری به عنوان شنونده، خواننده، حامی، وصی، بیوه، قیم یا نویسنده مشارکت کرده‌اند (به طور مثال کریستین دو پیزان، هروسویت فون گاندزهایم، هیلدگارد فون بینگن).^۲

در شهر زنان نقش بیشتری به عنوان نیروی کار ایفا می‌کردند، آنها اغلب وظایف شاگردی و فروشنده‌گی را برعهده می‌گرفتند، درآمد و اقتصاد خانه را مدیریت و به امور خدمتکاران و خدمه منزل رسیدگی می‌کردند. زنان به عنوان همسر و شریک زندگی، نقشی کلیدی در توسعه اقتصادی در قرون وسطی ایفا کردند. خیلی زود، زنان به مامایی و مراقبت از کودکان در حرفه‌های درمانی و پزشکی و همچنین کار به عنوان درمانگر، حمام‌کننده و دستیار مشغول شدند؛ زنان در بخش آموزش به عنوان معلم مدرسه، سرپرست مدارس ابتدایی دخترانه یا به عنوان راهبه و خواهران در فرقه‌های جدید نیز به کار گرفته شدند.

در تجارت، زنان به عنوان تاجران کوچک سازمان نیافته و با حمایت ضعیف و در اصناف به عنوان تاجران امن، کنترل شده و سازمان یافته ظاهر می‌شدند، برای مثال از وصیت‌نامه‌های به جا مانده از شهروندان لوبک از قرن ۱۴ میلادی، مشتتیلد فون برمن^۳ و الهید فون برمن^۴ را

^۱ Christine de Pizan (1364 - c. 1430) کریستین دو پیزان (یا دیزان) در ۱۱ سپتامبر در شهر ونیز ایتالیا به دنیا آمد و در صومعه پوآسی در حدود ۱۴۳۰ از دنیا رفت. وی یک زن و نیزی دوره قرون وسطی بود و به شدت با زن‌ستیزی و خشونت علیه زنان در فرهنگ قرون وسطی مبارزه کرد. به عنوان شاعر در دوران خود بسیار مورد توجه قرار گرفته بود. اولین اشعار او به عنوان مطالب نوشته شده بر پایه اشرافی و سبک روزگار وی به خصوص شامل موضوع زنان و تمرین شجاعت شناخته می‌شوند. آخرین اثر وی به نام حکایت ژاندارک نام دارد که در سال ۱۴۲۹ منتشر شد.

^۲ Hrosvit von Gandersheim (935 – 973)

^۳ Hildegard von Bingen (1098- 1179) وی با نام حکیمه رود راین نیز شناخته می‌شود. او نویسنده، آهنگساز و فیلسوف آلمانی بود که متون علمی و تخصصی گیاه شناسی و داروشناسی را به صورت نامه، ترانه‌های مذهبی و اشعار می‌نوشت و می‌سرود. احتمالاً نخستین نمایشنامه اخلاقی نوشته اوست. او همچنین نقاشی‌های مینیاتور نیز می‌کشید. وی در میان زنان دهه‌های آخر کلیسای قرون وسطی بسیار مردمی و پرطرفدار بود. هیلدگارد حدود ۱۰۰ نامه، ۷۲ ترانه، ۷۰ شعر و ۹ کتاب نوشته است.

^۴ Lübeck یا شهر هانزایی لوبک، شهری در شمال آلمان است که در حدود ۲۲۰،۰۰۰ نفر جمعیت دارد و دومین شهر بزرگ آلمان در ساحل دریای بالتیک محسوب می‌شود.

^۵ Mechthild von Bremen (1340-1405)

^۶ Alheyd von Bremen

می‌شناسیم. حدود سال ۱۴۲۰ چکمانین^۱ تاجر اهل گورلیتز^۲ به تجارت رکا پولا دی، خورجین، افسار، کمر بند، مهمیز، رکا، تسمه، گوگرد، مس، زنگار، تیردان، صابون، پوست تنه درخت، موم، کاغذ و ادویه‌جات می‌پرداخت. شمار زیادی از قراردادهای تجاری اروپایی که زن‌ها عهده‌دار آن بودند، در سال‌های بین قرن ۱۴ و ۱۵ میلادی آغاز شد. در سال ۱۳۵۳ در وصیت‌نامه یک مغازه‌دار اهل لوبک، قراردادی تجاری با مشتبیلد فون برمن ذکر شده است. در سال‌های بین ۱۴۳۵ و ۱۵۰۵ در ویستگن کولر^۳ (اهل شهر کلن) و چهار زن دیگر، شریک‌های تجاری مردان بوده‌اند (اوپیتس، ۱۹۹۳: ۳۱۴). به نمونه‌های زیادی از زنان، به ویژه زنان یهودی، در زمینه تجارت و دادن وام می‌توان اشاره کرد.^۴

زنان شاغل در حرفه‌ها، به عنوان کمک به اعضای خانواده، در مشاغل آزاد و دولتی، در صنایع و صنایع، بیشترین تعداد شاغلان در شهر را تشکیل می‌دادند. تولید پوشاک و کالاهای لوکس، مانند صنعت فرآوری پشم و کتان کنفی، به عنوان خیاط، پوست فروش، دوزنده کیف و کمر بند، ریسنده، طلا ساز، گلدوزی ابریشم؛ تولید مواد غذایی مانند نانوبی، قصابی، شیلات رودخانه‌ای و داخلی، استخراج نفت، باغبانی و آبجوسازی رایج‌ترین فعالیت‌هایی هستند که توسط زنان انجام می‌شوند و با شستشو، سفیدکاری، صنایع فلزی و ساخت و ساز غنی می‌شوند. در سال‌های ۱۴۳۹ تا ۱۴۷۷ در کلیسای سنت سبالد^۵ شهر نورنبرگ ۹ زن آهنگر، هفت زن کوبنده برنج‌کاری، یک چاقوساز، یک انگشتانه‌ساز، یک سیمکش، سه زن حلبی‌ساز، یک زن قطب‌نما ساز و شش زن قوطی‌ساز مشغول به کار بودند. موارد مشابهی در شهرهای کلن و فرانکفورت دیده شده است (اوپیتس، ۱۹۹۳: ۳۲۰).

زنان همچنین در مخلوط کردن ملات، سقف‌سازی و کارهای شیشه‌گری مهارت داشتند. در صنعت ساخت و ساز، نسبت به کارگران مرد، دستمزد کمتری می‌گرفتند اما هرگز نتوانستند آموزش مناسب ببینند یا کسب و کار خود را راه‌اندازی کنند. شمار زیادی از زنان به صورت غیرمستقل و اغلب در شرایط نامناسب کار می‌کردند. موقعیت سیاسی ضعیف زنان، اجازه ورود

^۱ Czachmannin

^۲ Görlitz گرلیتز شرقی‌ترین شهر آلمان و بزرگ‌ترین شهر در ناحیه تاریخی لوساتیای علیا در ایالت زاکسن در کنار رود نایسه غربی قرار دارد. این رود بخشی از مرز آلمان و لهستان پس از جنگ جهانی دوم است و در سوی دیگر آن شهر ازگوئلتس لهستان قرار دارد که تا پیش از سال ۱۹۴۵ بخش شرقی شهر گرلیتز آلمان را تشکیل می‌داد. مردم گرلیتز آلمانی زبان هستند اما در غرب گرلیتز مناطقی از لوساتیا واقع شده که سوربی زبان هستند.

^۳ Druitgen Koller

^۴ در اینجا می‌توان به گلوکل فون هاملن، تاجر یهودی، اشاره کرد که زاده ۱۶۴۶ در شهر هامبورگ بود. وی ۱۴ فرزند به دنیا آورد و پس از فوت همسرش در سال ۱۶۸۹ ازدواج فرزندانش را مهیا ساخت و کسب و کار خانوادگی را به دست گرفت. پول قرض می‌داد و به تجارت مروارید و کالاهای دیگر می‌پرداخت.

^۵ St. Sebald-Pfarrei

^۶ Opitz, C.

آنها را به شرایطی بهتر و مناسبتر نمی‌داد. وضعیت دشوار کاری و مبارزات رقابتی با مردان باعث جابجایی تدریجی زنان در کارهای دستی شد. برای مثال از آغاز قرن ۱۵ کارگران ماهر در بسیاری از مناطق نیز ادعا می‌کردند که یک کارگر ماهر مجبور نیست در کنار یک زن کار کند. در پایان قرن شانزدهم همچنین پایان آزادی زنان در نیروی کار به ویژه حرفه‌های تخصصی بود. در سال ۱۶۸۸ قانون صنایع دستی لازم‌الاجرا شد. دلایل این امر را احتمالاً می‌توان در اقتصاد جهانی در حال تحول یافت که به دلیل توسعه آمریکا و مسیر دریایی به هند منجر به تغییر در بازارهای فروش شد.

در مناطق روستایی تقسیم‌بندی واضح وجود دارد: زنان در کارهای خانه، لینیات و دامداری و باغبانی تخصص داشتند در حالی که مردان در مزارع به کار مشغول بودند. درآمد اضافی از طریق کار فصلی در کشاورزی غلات و رختشویی‌خانه‌ها و نیز مشاغل کارگری روزمزدی مانند پشم چینی گوسفند، حفر زمین، وجین، چیدن رازک، چمن زنی، شستن لباس یا پختن نان مطرح بودند.

۳-۴- دلایل زبانی و تفاوت‌های جغرافیایی نام‌های خانوادگی مونث

نام‌های کوچک زنانه بیشترین کاربرد را در شکل‌گیری نام خانوادگی داشتند. نام‌های خانوادگی مشتق شده از نام‌های کوچک زنانه بر اساس نام‌های کوچک ژرمنی - آلمانی باستان و نام‌های غسل تعمیدی و مقدسین مسیحی هستند.

در حوزه زبان آلمانی می‌توان به نام‌های مؤنث با ریشه ژرمنی - آلمانی باستان زیر اشاره کرد:

Adelheid, Eilburg, Gertrud, Hedwig, Hildegard, Hildegund, Irmengard, Irmeltrud, Isentrud, Kunigunde, Liutgard, Liefheit, Mechthild, Odelgard, Olegard, Walburga

برخی از نام‌های خانوادگی امروزی بر اساس نسب مادری نیز بر پایه همین اسامی هستند، مانند:

Alken, Vernaleken, Alscher, Eilken, Ehliken, Druden, Gesen, Gehlen, Hedwiger, Heesche, Hildegerter, Hille, Hilcke, Hiller, Irmel, Irmeler, Eisentraut, Künne, Künscher, Königeter, Luckhardt, Lückert, Leifheit, Mette, Metteke, Metz, Ölgarten, Wobben, Wolper. (Kunze 2003, S. 77; Bahlow 1976, S. 3-12; Zoder 1968, S. 25-28.).

نام‌های زیر، اسامی با بار مسیحی هستند:

Agathe, Agnes, Cäcilia, Elisabeth, Eufemia, Judith, Katharina, Lucia, Margarete, Ottilie, Sophia.

که از آنها نام‌های خانوادگی زیر گرفته شده‌اند:

^۱ رازک گیاهی دارویی است که کاربرد آن بیشتر در ساخت آجود است.

Agethen, Eyth, Eitner, Ageneter, Neeser, Zilgner, Zillgen, Else, Elsner, Bethge, Offemia, Jüttner, Kathrein(er), Ketter, Ziege, Zay, Tilgner, Soffner, Fey, Fige, Figener. (Kunze 2003, S. 77; Bahlow 1976, S. 3-12; Zoder 1968, S. 25-28)

تفاوت‌های منطقه‌ای از یک سو بر اساس توزیع منطقه‌ای نام‌های کوچک خاص است و از سوی دیگر، روش‌های مختلف شکل‌گیری، عناصر شکل‌گیری مکان و پسوندها ترجیح داده می‌شوند.

در شمال، می‌توان به نام‌های خانوادگی مانند: Öhlgart (Olegard), Vroburg, Leifheit(Liebheid), یا صورت‌های مصغر با پسوند -ke مانند Heileke (Heilwig), Modeke (Almut), Tibbeke (Dietburg) فریزی مانند Abele (Adel-burg), Hobebe (Hoburg), Wobbe (Walburg) اشاره کرد (کونتسه، ۲۰۰۳: ۷۷).

در جنوب آلمان اسامی خانوادگی بر اساس نسب مادری، اسامی مشتق با پسوند -er هستند، مانند:

Madlener,(Magdalena), Mergenter (Mergard), Jüttner (Jut-ta), Ketterer (Katharina), Tilg(n)er, Dilger (Otilie), Anneler (Anna), Hadwiger (Hedwig), Neeser (Agnes), Geler (Gertrud).(Kunze 2003, S. 77; Bach 1956, S. 252.)

در اسامی خانوادگی بر اساس نسب مادری در شل‌زین، علاوه بر پسوند -er پایانه‌های -er و -ner نیز دیده می‌شوند:

Eitner, Jüttner, Ilgner, Tilgner, Soffner, Irmeler
همچنین پایانه -scher مانند: Irmischer, Alscher (بالو، ۱۹۷۶: ۱۲).

پسوند وابستگی -ing در صورت‌های مؤنث اسامی کوچک، مانند:
1383 Joannes Susanning in Wallis (Susan_ne), 1359 Joh. Fil. Gerlaci dicti Gesinc (Gertrud). (Bach 1952, S. 251.)

پسوند -in بیشتر در بین اسامی دهقانان و بورژواها دیده می‌شود تا در میان اسامی اشراف:
1412 Hans Elsin in Arnstadt (Elisabeth).^۱ (Bach 1952, S. 251.)

در مواردی نیز اسامی مؤنث با پسوند -man ترکیب شده‌اند:

1284 Markward Wibenman
1464 Berteld Wolpman=1449 B. Wolpes_man= 1451 B. Wolpekesman (Waldburg). (Bach 1962, S. 252.)

^۱ سیلیزی (به لهستانی)، شل‌زین (به آلمانی)، منطقه ای تاریخی در اروپای مرکزی است که بیشترین قسمت آن در لهستان واقع شده است و بخش کوچکی از آن نیز در جمهوری چک و آلمان است.

در ترکیب با *_kint*، وابستگی به همان روشی که با *_sohn/_tochter*، به روشنی بیان می‌شود، مانند:

Nickil Jutten son (14 Jh. in Breslau)

Jo. Dictus Idenkint (1377 in Aachen)

Nicolaus dictus Gredenikint (1345 in Straßburg)

Grietensoen, Lijsenkint, o. J. Nesensohn, Leenesone, Lysesune(14 Jh.)).(Bach 1952, S. 251.)

زنان طبقه اشراف اغلب در منابع با پیشوند *vrouwe* (به معنی خانم *Frau*) ظاهر می‌شدند که بعدها با دگرگونی واج */r/* در آلمانی سفلی و هلندی به *vor(n)* و *ver(n)* تبدیل شد، مانند:

o. J. Clays ver Brechten sone^۱ (Bach 1952, S. 251.), 1330/49 Bartholt vorn Ebelen het opghelaten vorn Ebelen siner moder, Bürger Neuholdenslebe(Zoder 1968, S. 26), 1376 Heyne vern Aleken, Lüneburg, 1358 Henneke vern Metten, Hannover, 1320 vor Wybensone, Dithmarsche(Bahlow 1976, S. 4.), 1350 Willem filius der Damen ver Clementien.(Bach 1952, S. 251.)

از آنجا که ادغام نام کوچک و نام خانوادگی معمول است، تعیین نام خانوادگی در مواردی دشوار می‌شود، مانند:

1440 Albern Vornevessen (شهردار هیلدسهایم) (Zoder 1968, S. 26.)

چند نمونه متنوع امروزی مانند:

Veraechten(s) (Agathe), Veranneman (Anna), V(e)rewen (Eva), Vergrieten(s) (Margarethe), Verjutten(Jutta), Vertruyen (Gertrud), Vernal(e)ken (Adelheid), Ferhildema(Hilde) یا اسم فریزی

اسامی بر اساس نسب مادری که کمتر شناخته شده هستند، بر اساس عناوین حرفه‌ای و طبقاتی زنانه یا القاب و ویژگی‌های آن‌ها ساخته شده‌اند. باخ برای این مورد به نمونه‌هایی اشاره کرده است:

1334 Burkard Hurenson in Zürich

1291 Joh. Filius vidue=1294 Joh. der Wittewen sun in Straßburg

گوتشالد به اسم *Vereenoooghe* در منابع اشاره می‌کند که به معنی زن یک چشم *Frau* است (گوتشالد؛ ۱۹۸۲: ۵۰۵).

اسامی زیر به اسم مشاغل زنانه اشاره می‌کنند:

Tunnenmacherin

¹ Gottschald, M.

Schoenkremmerin (Naumann 1996, S. 52; Bach 1952, S. 232 f)

۳-۵- نامگذاری بر اساس نسب مادری در عصر حاضر

تغییرات در نظام‌های اجتماعی کثرت‌گرای کنونی و ارزش‌های آنها در تنظیم قانونی انتخاب نام خانوادگی منعکس شده است (آیشلر، ۱۹۹۵: ۱۲۵۶). امروزه جامعه‌شناسی و تحقیقات اجتماعی در حال شناسایی بحران‌ها در خانواده‌ها هستند. فروپاشی ساختار سنتی خانواده در انتخاب نام‌ها نیز منعکس شده است:

«از منظر حقوقی، نام خانوادگی مشترک به عنوان بیان بدیهی وحدت خانواده از اعتبار افتاده است و واقعیت اجتماعی با افزایش طلاق و خانواده‌های تک نفره نیازی به یادآوری ندارد.» (هرتل، ۱۹۹۷: ۳ f).

البته برخلاف قرون وسطی و دوران‌های دیگر که مبنایی برای ارزیابی نداریم و اغلب فقط خود اسم به جا مانده است، نام برای تعیین تغییرات فعلی ضروری نیست.

انحلال چارچوب قانونی سنتی در انتخاب نام خانوادگی، گواهی بر برابری بین جنسیت‌ها، خودمختاری بیشتر و ابراز فزاینده هویت شخصی است. در اصل، قانون قدیمی نامگذاری، تجلی قانون اساسی خانواده پدرسالار بود، همانطور که از قرون وسطی از طریق قانون روم در بخش‌های بزرگی از اروپا آشکار شده بود. قانون نامگذاری مدرن اروپا را می‌توان به تفصیل به شرح زیر توصیف کرد:

«سیستم نامگذاری با پذیرش اجباری نام خانوادگی مرد، ریشه در قرون وسطی دارد و از زمان خود فراتر رفته است. در آلمان، مانند همسایه‌اش اتریش، اکنون می‌توان نام خانوادگی مشترکی متشکل از نام خانوادگی یکی از همسران را داشت. نام قبلی می‌تواند اول (یا بعد از آن در اتریش و استونی) قرار گیرد، اما قابل انتقال نیست. در سوییس زن معمولاً نام خانوادگی شوهرش را دریافت می‌کند، اما می‌تواند نام قبلی خود را بدون امکان انتقال آن، اول قرار دهد. استفاده از نام خانوادگی زنان فقط از طریق تغییر نام امکانپذیر است. در فرانسه نیز وضعیت مشابه آلمان است. قانون نام خانوادگی یکسانی را تجویز نمی‌کند، اما کودکانی که به دنبال ازدواج قانونی به دنیا می‌آیند، همچنان به نام خانوادگی پدرشان نامگذاری می‌شوند. در اسپانیا هنوز نام‌های دوگانه سنتی پدر و مادر را می‌بینیم که کودک می‌تواند پس از رسیدن به بزرگسالی، آنها را به ترتیب انتخاب کند. به طور سنتی، کودکان در پرتغال نیز به نام پدر و مادر خود نامگذاری می‌شوند و نام مادر ابتدا می‌آید. نوآورانه‌ترین مورد در قانون نامگذاری در انگلستان است که در آن انتخاب و انتقال نام خانوادگی آزاد است. در لهستان نیز چنین قانونی وجود دارد و همه ترکیب‌ها امکانپذیر

¹ Härtel, R.

است، اما نمی‌توان نام خانوادگی شریک زندگی (در خارج از چارچوب ازدواج رسمی) را پذیرفت. در نروژ، سوئد و دانمارک انتخاب نام میانی آزاد است و با پسوندهای زیر شناخته می‌شوند:

_son/_sen; _dotter/_datter

در مجارستان و یونان انتخاب آزاد بین نام خانوادگی شوهر و حفظ نام خانوادگی زن وجود دارد. در مجموع، مشخص می‌شود که نفوذ مردان، حداقل در سطح نمادین تغییر روابط خانوادگی، کاهش یافته است (Europäische Mitterauer 1997, S. 20; Akademie Otzenhausen ۲۰۰۵). با این حال، این تحول با شکل‌گیری نام خانوادگی بر اساس نسب مادری واقعی مطابقت ندارد.

۴- جمع بندی

شمار نام‌های خانوادگی بر اساس نسب مادری در گنجینه واژگان آلمانی و اروپایی در حال حاضر به نسبت نام‌های خانوادگی بر اساس نسب پدری بسیار کم‌ترند. مهم‌ترین دلیل این امر، جو پدرسالارانه حاکم بر نظام‌های جوامع اروپایی است. زنان در جوامع قرون وسطایی به اشکال و صورت‌های مختلف در توسعه اقتصادی شرکت فعالانه داشتند. زنانی که جایگاه ویژه‌ای به لحاظ نسب و ریشه خانوادگی، اهمیت خانواده، اموال و دارایی، در زندگی حرفه‌ای خود داشتند، از مزیت انتقال نام خانوادگی خود بهره‌مند بودند.

منابع

- Alexandre, M. (1993). *Frauen im Frühen Christentum*. In G. Duby & M. Perrot (Eds.), *Geschichte der Frauen. Band 1: Antike* (pp. 451–490). Frankfurt/Main.
- Bach, A. (1952). *Deutsche Namenkunde I: Die Deutschen Personennamen, Teil 1*. Heidelberg: Universitätsverlag Winter.
- Bahlow, H. (1976). *Metronymika. Frauennamen des Mittelalters als Familiennamen: Ein Soziologisches Phänomen*. Hamburg. (Vortrag vom 12. Kongress für Namenforschung, Bern, August 1973).
- Bach, A. (1952–1956). *Deutsche Namenkunde*. 5 vols. Heidelberg: Universitätsverlag Winter.

^۱ میان نام یا نام میانی، نامی است که پیش از نام خانوادگی و پس از نام کوچک دارندگان آن می‌آید. در بسیاری از کشورها داشتن یک یا چند میان نام مرسوم است ولی به ندرت در محاوره استفاده می‌شود. برخی والدین نام کوچک یکی از افراد خانواده را به عنوان میان نام به فرزندانشان می‌دهند.

- Bahlow, H. (1975). *Mittelhochdeutsches Namenbuch nach schlesischen Quellen*. Neustadt/Aisch.
- Brechenmacher, J. K. (1957–1958). *Etymologisches Deutsches Wörterbuch der deutschen Familiennamen* (2nd ed., 2 vols.). Limburg/Lahn.
- Duby, G. and M. Perrot (Eds.). (1993–1994). *Geschichte der Frauen*. Vols. 1–3. Frankfurt/Main.
- Eichler, E. et al. (Eds.). (1995–1996). *Namenforschung: Ein Internationales Handbuch zur Onomastik* (Vols. 1–2). Berlin & New York: De Gruyter.
- Europäische Akademie Otzenhausen (Ed.). (2006). *Dringender Bedarf für ein Europäisches Eherecht: Nationale Eherechte im Vergleich*. Hamburg.
- Gottschald, M. (1982). *Deutsche Namenkunde: Unsere Familiennamen* (5th ed.). Berlin.
- Hameln, G. V. (1994). Jüdische Händlerin. In G. Duby & M. Perrot (Eds.), *Geschichte der Frauen. Band 3: Frühe Neuzeit* (pp. 529–533). Frankfurt/Main.
- Härtel, R. (1997). Personenname und Identität: Historische und Quellenkundliche Probleme. In R. Härtel (Ed.), *Personennamen und Identität* (pp. 3–16). Graz: Akademie Friesach.
- Heintze, A., and P. Cascorbi (1933). *Die Deutschen Familiennamen: Geschichtlich, Geographisch, Sprachlich* (7th ed.). Halle [Reprint Hildesheim, 1999].
- Huften, O. (1994). Arbeit und Familie. In G. Duby & M. Perrot (Eds.), *Geschichte der Frauen. Band 3: Frühe Neuzeit* (pp. 27–59). Frankfurt/Main.
- Kunze, K. (2003). *dtv-Atlas Namenkunde: Vor- und Familiennamen im deutschen Sprachgebiet* (4th ed.). München: dtv.
- L'Hermite-Leclercq, P. (1993). Die Feudale Ordnung (11. und 12. Jahrhundert). In G. Duby & M. Perrot (Eds.), *Geschichte der Frauen. Band 2: Mittelalter* (pp. 213–263). Frankfurt/Main.
- Mitterauer, M. (1997). Mittelalterliche Grundlagen Aktueller Namensprobleme. In R. Härtel (Ed.), *Personennamen und Identität* (pp. 17–28). Graz.

- Naumann, H. (1996). *Das Große Buch der Familiennamen: Alter, Herkunft, Bedeutung*. Niedernhausen/Taunus.
- Opitz, C. (1993). Frauenalltag im Spätmittelalter (1250–1500). In G. Duby & M. Perrot (Eds.), *Geschichte der Frauen. Band 2: Mittelalter* (pp. 283–339). Frankfurt/Main.
- Reitzenstein, W.-A. Frhr. v. (1997–1998). Grundherrschaftliche Frauennamen in Bayrischen Ortsnamen. *Blätter für Oberdeutsche Namenforschung*, 34–35, 24–60.
- Schwarz, E. (1957). *Sudetendeutsche Familiennamen aus Vorhussitischer Zeit*. Köln & Graz.
- Schwob, U. M. (1997). Frauennamen in Wolkensteinischen Urkunden des 14. und 15. Jahrhunderts. In R. Härtel (Ed.), *Personennamen und Identität* (pp. 309–329). Graz.
- Schwob, U. M. (1982). „Herrinnen“ in Tiroler Quellen: Zur Rechtlichen und Sozialen Stellung der Adligen Frau im Mittelalter. In E. Kühbacher (Ed.), *Literatur und bildende Kunst im Tiroler Mittelalter* (pp. 157–182). Innsbruck.
- Timm, E. (1999). *Matronymika im Aschkenasischen Kulturbereich: Ein Beitrag zur Mentalitäts- und Sozialgeschichte der Europäischen Juden*. Tübingen.
- Wemple, S. F. (1993). Frauen im Frühen Mittelalter. In G. Duby & M. Perrot (Eds.), *Geschichte der Frauen. Band 2: Mittelalter* (pp. 185–211). Frankfurt/Main.
- Wunsch, C. (2006). Metronymika in Babylonien: Frauen als Ahnherrinnen der Familie. In G. del Olmo Lete (Ed.), *Šapal tibnim mû ilakk: Studies Presented to Joaquín Sanmartín* (pp. 459–469). Sabadell: Aula Orientalis Supplementa.
- Zoder, R. (1968). *Familiennamen in Ostfalen* (2 vols.). Hildesheim.